



## دانشگاه پردیس شهیدباهنر

### هنر چیست و هنرمند کیست؟

#### تعریف هنر به زبان ساده

هنر، آنچه را طبیعت از تکمیل آن ناتوان است کامل می‌کند. (ارسطو)  
هنر مهمترین کار و فعالیت ماورای طبیعی مناسب برای زندگی است. (نیچه)  
در هنر، (باید) وجود ندارد، هنر آزاد است. (واسیلی کاندینسکی)  
... هنر یعنی پذیرفتن واقعیات

**هنر:** ثبت واقعتهای ذهنی است.....

**هنر:** یعنی زندگی کردن و دوست داشتن....

**هنر:** اصطکاک روح است با فضای اطراف....

و.....

این ها تعاریفی بود که خیلی از بزرگان در طول سال ها و قرن ها از هنر داشته اند و همه ی آن ها می تواند هم درست باشد و هم غلط برخی هنر را زیبایی می دانند اما این تعریف هم صرفا نمی تواند درست باشد چون هر اثر هنری برای خلق شدن نیاز به یک هنرمند دارد پس یک گل و یا یک

درخت که خود به وجود آمده اند نمی تواند یک هنر باشد، شاید بگویید خداوند یک هنرمند است، درست است اما ما در اینجا به دنبال تعریفی کلی تر از هنر می گردیم

عده ای هنر را وسیله ای برای پالایش و اعتلای روح آدمی بیان می کنند و معتقدند که هنر باید اخلاق گرا باشد اما این هم خود تعریفی نادرست است زیرا هنری که ما در یک پوستر اجتماعی و سینما به کار می بریم با هنر خاتم کاری و خوشنویسی در بیان مفاهیم متفاوت است

و افراد دیگری هم می گویند هنر نسخه برداری از طبیعت است مانند میل به خشونت، هوای نفس و ... که می توانند مثل یک هنر مقدس زیبا باشند زیرا آینه ی تمام نمای واقعیت ها می باشد. همچنین عده ای هم بر این باورند که هنر بیان احساس و عاطفه ی آدمی و برداشت او از زندگی و جهان هستی است

اشکالی که در تعاریف بالا وجود دارد این است که همه فقط یک بعد از هنر را در نظر می گیرند ولی هنر کاملاً ترکیبی از همه ی آن هاست و نتیجه ی اخلاقی این که هنر تعریف خاصی ندارد و نمی توان برای آن معیارهای مشخصی در نظر گرفت. به همین دلیل متفکران موضوعی به نام (( نظریه نهادی)) را مطرح کرده اند و بر این باورند که اگر چیزی بخواهد یک اثر هنر شناخته شود، ویژگی یا ویژگی های خاصی نیست که بتوان در درون آن اثر مشاهده کرد؛ بلکه شأن خاصی است که عالم هنر برای آن اثر، قائل می شود

طبق این تعریف عالم هنر شامل کسانی است که در تشکیلاتی نه چندان مدوّن، حضور دارند و به صورت های گوناگون، در ارتباط با یکدیگر به سر می برند. این مجموعه افراد که شامل هنرمندان (( نقّاشان، نویسندگان، آهنگسازان، کارگردانان و ... ))، مدیران موزه ها، مدیران هنری، مخاطبان حرفه ای آثار هنری (هر چند که خودشان هم هنرمند نباشند)، گزارشگران هنر در رسانه ها، منتقدان هنری، تاریخ نگاران هنر، نظریه پردازان و فیلسوفان هنر و دیگر کسانی که به نوعی با هنر در ارتباطند، هستند، که در صورتی که در مورد هنری بودن یک اثر به توافق برسند، می توان آن را یک اثر هنری دانست و اگر اثری از سوی عالم هنر به عنوان یک اثر هنری شناخته نشود، دیگر نمی توان آن را یک اثر هنری به شمار آورد

در حقیقت، عالم هنر را می‌توان مرزی دانست که اگر یک اثر ساخته دست بشر، از آن عبور کند به یک اثر هنری تبدیل می‌شود و اگر نتواند از آن بگذرد، اثر هنری به حساب نخواهد آمد. با این حساب، می‌توان لکن توالی دوشان را هم به این دلیل که به دست یک هنرمند ساخته شده است و در یک فضای هنری به نمایش درآمده است و هم به دلیل این که از سوی جامعه هنرمندان عالم هنر، به عنوان یک اثر هنری پذیرفته شده است، یک اثر هنری به حساب آورد.

تیموتی بینکلی، هم درباره این مسئله که آیا برخی از آثار بحث‌انگیز امروز، به راستی آثار هنری اند یا نه، می‌گوید: فقط می‌توانم بگویم که آنها به دست کسانی که هنرمند محسوب می‌شوند، ساخته (یا خلق یا ایجاد) می‌شوند، منتقدان، آنها را با عنوان آثار هنری مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند، در کتاب‌ها و نشریه‌های مربوط به هنر، درباره شان بحث می‌شود، در گالری‌ها یا مکان‌های مرتبط با هنر، به نمایش گذاشته می‌شوند و چیزهایی از این قبیل.

## هنرمند کیست؟

در حالت کلی انسان‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. عده‌ای که نگاه می‌کنند و درک می‌کنند

۲. عده‌ای که نگاه می‌کنند و از درک عاجزند

شاید تعریف اول برای هنرمند درست‌تر باشد ولی باید از این موضوع آگاه باشیم که هنرمند علاوه بر منابع زمینی و ارتباط حسی و تعامل با آن‌ها به منبع دیگری از کمال و فهم متصل می‌باشد که موجب می‌شود یک هنرمند با سایر انسان‌ها متمایز شود. یک هنرمند خودخواه است، خودخواهی و غرور هنرمند را باید در آن لحظه که مشغول خلق یک اثر است در چشمهایش مشاهده نمود. یک هنرمند همیشه فقیر است، شاید او زندگی شاهانه‌ای داشته باشد اما او تشنه‌ی کمال، کشف و انتقال نشانه‌ها و معناهای آفرینش است. هنرمند یک مبارز انقلابی است، او روحیه تجدد خواه و ساختار شکن دارد و هدف او این است که با شکستن سنت‌ها و گاه ترمیم و پیوند آن‌ها به هم دریچه‌ای از شعور و آگاهی را به جامعه‌ی بشری بگشاید. برای هنرمند اصلاً مهم نیست که اثری را که آفریده مورد پذیرش مردم است یا نه؟ و این به خاطر غرور و تعصب بیش از اندازه‌اش می‌باشد.

باشد در عین حال که او خود را هیچ کسی می داند. هنرمند شهرت و دوامش را از راه نفوذ در مردم دارد نه با تبلیغات توخالی و گذرا. مهم نیست هنرمند چه لباسی بپوشد بلکه وجود اوست که به لباس شخصیت و ارزش می دهد. هنرمند عشق است و تنها زیبایی را دوست ندارد بلکه او به زشتی ها هم عشق می ورزد چون او می خواهد واقعیت ها را نشان داده و با عشق خود آن ها را بپوشاند. هنرمند تحمل پذیرفتن حرفی از روی اجبار را ندارد و اگر کاری را به او تحمیل کنند افسرده می شود. او همیشه در اداره کردن زندگی خود دچار مشکل است و نیازمند حمایت ...دیگران. هنرمندان اندازه های متفاوتی دارند بعضی غول پیکرند و بعضی کوچکتر

شاملو می گفت: هنرمندان را سلسله جبالی بدانید که بعضی قله های آن از ابرها بیرونند، بالاترند؛ اما همواره باید یادمان باشد که هنرمندان وجودی معصومانه و کودکانه دارند. اگر همه اینها بود و ...بیش از اینها آنگاه ممکن است که او را بشناسیم

در آخر برای اینکه هنرمند شوید باید حس دیوانگی درون خود را بیدار کنید تا بتوانید در مقابل ...عادت ها و رفتارهایی که شما را از انجام کارهای مخالف خواسته هایتان باز می دارد بایستید

برای هنرمند شدن هیچوقت دیر نیست

به قول لئوناردو بیکن : هر هنرمندی در ابتدا مبتدی بوده است